مسئله: تخصیص به مفهوم

مقام اول) تخصیص به مفهوم موافق

❖ مقدمه ۱:

۱. در مباحث سال سیزدهم گفته بودیم که مفهوم ناشی از وضع تعینی جدید یا انصراف یک کلام به معنایی است که اوسع از دلالت مطابقه آن کلام است[۱]

۲. و در باره مفهوم موافقت گفتیم، به دو شکل این مفهوم قابل فرض است ولی شرط پیدایش این مفهوم آن است، کلام به دلالت لفظی ملاکی را معلوم کند که به صورت تشکیکی در مدلول مطابقی کلام موجود است و در سایر موارد به نحو اقوی قابل تصویر است.[۲]

۳. دو صورت مفهوم موافقت را نیز چنین تصویر کردیم:

«یک) شکل قیاسی: اُف گفتن حرام است چون ترک اکرام و احترام است. هرچه ترک احترام است، حرام است، پس ضرب که در «ترک احترام بودن» اقوی است، به طریق اولی حرام است.

این شکل، متوقف بر دو نکته است که باید از خارج احراز شود:

یک) احراز کنیم که ملاک حرمت تأفیف، ترک اکرام و احترام است

دو) احراز کنیم که این ملاک در ضرب اقوی از تأفیف است.

البته اگر «اقوی» بودن (که فرع تشکیکی بودن ملاک است) احراز نشد دو حالت دارد:

یک/دو) ملاک تشکیکی نباشد و لذا همه مصادیق آن متواطیاً تحت ملاک باشند: در این صورت قیاس، قیاس مقطوع الملاک (العلّه) است.

دو/دو) ملاک تشکیکی است که خود دو حالت دارد:

یک/دو/دو) تساوی احراز شد: قیاس مقطوع الملاک

دو/دو/دو) ضعف ملاک در ناحیه غیرمنطوق احراز شد: قیاس حاصل نیست

سه/دو/دو) شک در اقوی یا اضعف و یت تساوی داریم: قیاس قابل جریان نیست.

دو) شکل مفهومی (به نحو وضع تعیّنی):

چنانکه در بحث از تعریف مفهوم گفتیم، مفاهیم، آن دسته از معانی هستند که به مرور برای یک عبارت وضع شده اند و علاوه بر معنای منطوق می توان آن معنی را هم از کلام استفاده کرد.

---

[۱] . ن ک: درسنامه اصول، سال سیزدهم، ص۲۸

[۲] . همان، ص۳۳

حال گاهی کلامی از متکلم صادر می‌شود که متکلم علاوه بر معنای مطابقی، لازمه آن را هم اراده می کند، این استعمال طبق تعریف، کنایه است. در این صورت گاه لازمه‌ی آن سخن، ملاک حکم است. در این صورت این جمله به صورت کنایی، ملاک را به شما می فهماند.

ولی گاه یک جمله در مرور زمان، دارای معنای دیگری شده است که علاوه بر معنای مطابقی به صورت وضع تعیّنی برای آن کلام در آمده است. مثلاً وقتی در عرف گفته می شود «پیش فلانی طلا و خاک یکی است»، دلالت این جمله بر «امانت‌داری و بی‌تفاوتی نسبت به مال دنیا» به صورت دلالت بر لازمه‌ی معنا نیست، بلکه مستقیماً این کلام به وضع تعیّنی همین معنا را هم در کنار معنای مطابقی یافته است. این دسته از استعمال ها را می توان در عنوان ضرب المثل ها قرار داد.

حال:

اگر جمله ای، ملاکی را به نحو کنایی (به گونه‌ای که ظهور آن در معنای کنایی عرفاً قابل قبول باشد) و یا به نحو وضع تعیّنی جدید (که در کنار وضع اولیه حاصل است) به مخاطب می رساند، در این صورت: اگر آن ملاک تشکیکی است، جریان حکم در فردی که ملاک در او اقوی است، مفهوم موافقت است.

توجه شود که این بیان، با آنچه به عنوان قیاس اولویت مطرح است دارای تفاوت بنیادین است. چون در قیاس اولویت (حتی اگر مقطوع الملاک باشد)، احراز ملاک به سبب دلالت لفظی کلام نیست ولی در این تقریر، دلالت کلام بر ملاک نوعی دلالت لفظی است.»